ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
سه شنبه • ۱۱ دی ۱۳۹۷ • شماره ۱۲۲۴

حدیث روز

حضرت علی(ع): صدقه و وقف دو ذخیره اند، آن ها را برای روز خودشان (قیامت) وانهید.

دعائم الإسلام

ذکر روز سه شنبه

صد مرتبه «یا ارحم الراحمین»

در محضر بزرگان

مثل میخ کج!

حجت‌الاسلام رنجبر در اهمیت راستی و صداقت در زندگی گفته‌اند:

یک میخ اگر راست باشد هرچه هم ضربه بخورد بیشتر رفته و محکم‌تر و مقاوم‌تر خواهد شد. به همین دلیل هم قرآن به ما می گوید بیایید راستی و صداقت پیشه کنید. این جاست که هیچ کسی نمی‌تواند به شما آسیب بزند. اگر اهل شکیبایی باشید، اگر تقوا پیشه کنید و در یک سخن، اگر راستی و درستی پیشه کنید، هیچ کسی نمی‌تواند به شما آسیب بزند. اما اگر صداقت پیشه نکنید و کج بشوید و کج‌رفتار باشید مثل همان میخ، کج می‌مانید؛ هرچه ضربه بخورید بیشتر کج می‌شوید.

تارنمای سمت خدا

حکایت

زندان درویش

درویشی کلبه ای ساخت و خود را درون آن زندانی کرد. رهگذری او را خطاب قرار داد که این چه کار است؟ درویش گفت: من درون خود سگی گزنده دیده ام که مرا شهر به شهر و کوچه به کوچه از پی خود می کشانید و هر کاری به دلخواه خود می کرد. اکنون آن سگ را زندانی کرده و قصد دارم بر او مسلط باشم.

برگرفته از الهی نامه عطار

بریده کتاب

زندگی روزانه

احساس می کنم روز به روز زندگی می کنم؛ حتی ساعت به ساعت. احساس این که زمان لحظه به لحظه دارد زندگی‌ام را می‌قاپد و من هیچ علاجی نمی‌توانم بکنم، دچار انزجارم می کند. و این انزجار وقتی به حد خود می‌رسد که نمی‌توانم در شبانه‌روز به اندازه‌ای که لازم و بایسته می‌دانم، کار بکنم.

برگرفته از «نون نوشتن»
اثر محمود دولت آبادی

قرار مدار

روز لامپ‌های سوخته
امروز شما مسئول
رسیدگی به لامپ‌های
توی خونه باشین!
همه لامپ‌ها رو بررسی
کنین و هرکدوم که
سوخته بودن رو با لامپ
جدید عوض کنین

اندکی صبر

بوی تو

منوچهر پورزرین

بوی زعفرانی ات را
دوست دارم
بگذار با چای بنوشمت!

دنیا به روایت تصویر

گتی ایمیج | مردی برف اطراف ماشینش را پاک می کند، ترکیه

شین هوا | عبور از عرض رودخانه، نپال

شاتراستاک | آدم برفی غول پیکر، چین

تاپخند

- سوالم اینه مگه «قهر قهر تا روز قیامت» چه عیبی داشت که به بچه هاتون یاد دادین بگن «بای فور اور»؟!
- پشه ای که تو این سرما میاد نیش میزنه رو نباید بزنی تو سرش بمیره، باید دعوتش کنی بشینه یه چای با همدیگه بخورین، رمز موفقیتش رو بهت بگه، چم و خم کار رو ازش یاد بگیری!
- یک بار با اولین زنگ آلارم از خواب بیدار شدم، زبون آلارم از خوشحالی گرفته بود تا چند روز زنگ نمی زد!
- کاش یک آلارمی هم بود که تنظیمش می کردیم به محض این که صداش در می اومد خوابمون می برد. عدالت نیست فقط باهاش بیدار شیم!
- آخر یک روز یه نرم افزار به نام TelGeram می سازم میدَم به همه مامان و باباها!
- خدایا همین که دیگه دی ماه فصل امتحاناتم نیست، صد هزار مرتبه شکرت!
- تو خانواده ما هر چی گم میشه منو بلند می کنن شاید زیر من باشه. حتی یه سری داشتیم می رفتیم جایی راه رو گم کردیم، زیر منو گشتن!
- از مدهای دهه شصت این که اگه از کیف هایی که با جلد ساندیس درست میشد بگذریم، اون قدر جو کوبلن دوزی بود که دست هر مردی هم یه کوبلن می دیدی!
- یک تور گرفتی سه شب و چهار روز... رفتی استوری می ذاری «برگردیم یا زوده؟» مگه می تونی برنگردی؟!

دیزالو

کمی آهسته‌تر استاد، کمی آهسته‌تر رد شو!

محمدعلی محمدپور | اطنزپرداز

دیزالو این هفته را با حال و هوای جشنواره فیلم فجر آغاز می کنیم. امسال هم مثل هر سال قبل از خود جشنواره، حواشی مربوط به راهیابی فیلم‌ها به فهرست نهایی آغاز شده است. مثلا آقای ده‌نمکی فیلم جدیدش را از جشنواره بیرون کشید و گفت: «بعضی کارها از جنس رقابت نیستند. فیلمی که از زمان خودش جلوتر باشد، در چنین فضاهای رقابتی دیده نمی‌شود». پس از این اظهارنظر همه ما از این افتادگی آقای ده‌نمکی دچار افتادگی فک شدیم. وودی آلن و اسپیلبرگ هم ضمن گفتن «کمی آهسته‌تر استاد، کمی آهسته‌تر رد شو!» از استاد ده‌نمکی خواستند یک جوری از زمان جلوتر نرود که هیچ کس نتواند بهش برسد. در کل به نظر ما بهتر است آقای ده‌نمکی کمی پایشان را روی پدال گاز شل‌تر کنند تا بقیه سینمای جهان هم بتوانند به ایشان کمی نزدیک شوند.

اما حواشی انتخاب جشنواره، به همین موضوع ختم نمی‌شود و امسال فیلمی در بخش نگاه نو انتخاب شده که پیش از این هم نسخه‌ای از آن در دوره‌های قبل ارائه و بازبینی شده بود. منتها این دوره نام خودش را عوض کرده و دوباره شرکت کرده است. کلا یک سری فیلم رد شده داریم که هر سال اسم‌شان را عوض می کنند و شرکت می کنند. گفته می‌شود این فیلم که امسال در بخش «نگاه نو» انتخاب شده است، از داوران دوره قبل امضا جمع کرده و آن‌ها تعهد داده‌اند این فیلم را قبلا ندیده‌اند و سال گذشته موقع پخشش، یک لحظه خواب‌شان برده است. به نظرم باید برای یک سری از فیلم‌ها هم به علت پشتکار و ول‌نکن بودن یک سیمرغی در نظر بگیرند بلکه سیمرغ را بگیرند ول کنند بروند.

از جشنواره فجر که بگذریم یک اتفاق جنجالی هم در شبکه محلی کیش افتاد که به شدت بحث‌برانگیز شد. در این اتفاق عجیب این بار آقای جکی چان به جای این که به روال سابق کونگ‌فو و هنرهای رزمی را برای ما به نمایش بگذارد، کارهای عجیب دیگری انجام داد. مدیران شبکه هم حداقل نکردند یک زیرنویسی چیزی بگذارند برای ما شفاف‌سازی شود قضیه از چه قرار است؟ به نظر می‌رسد این مدیران پخش کننده، چوب اعتماد بیش از حدشان به آقای جکی چان را خوردند و البته برخلاف روال همیشگیِ پس از حوادث به سرعت برکنار شدند. به هر حال این تجربه‌ای شد که دیگر به هیچ کس اعتماد نکنیم. آن از ماجرای عموی سوباسا و این هم از جکی چان. من حتی باور نمی کنم «ای کیو سان» هم آن‌قدر بچه سر به راهی بوده باشد و یک روزی ذات پلیدش بر ما هویدا خواهد شد، پسرک کچل!

تا حالا دقت کردین

دور دنیا

نماد انعطاف پذیری

فوربس- پس از این که برج‌های ۱۱۰ طبقه مرکز تجارت جهانی نیویورک فروریخت و ۲۷۵۳ انسان کشته شدند، آخرین چیزی که زنده از زیر آوار خارج شد، یک درخت گلابی کِلری بود. به این درخت به دلیل مقاومت در برابر حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ عنوان «درخت زندگی» داده اند. یک ماه بعد از این حملات این درخت به شدت آسیب دیده، سوخته و شکسته در زیر زمین پیدا شد. متخصصان شهری و کارشناسان محیط زیست این درخت را از ریشه درآوردند و برای مراقبت و توان بخشی به پارکی در نیویورک منتقل کردند. بعد از بهبودی دوباره آن درخت به محل اصلی خود به عنوان یادگاری از این واقعه خونبار برگردانده شد. امروزه این درخت نمادی از انعطاف پذیری، زندگی و تولد دوباره در معرض دید عموم قرار گرفته است.

مشهورترین ماهی یخ‌زده روزهای اخیر

اسپوتنیک- سرمای طاقت فرسای زمستان باعث می شود آبزیان در این فصل از شدت سرما خشک شوند. در این روزها ویدئویی از خشک شدن یک ماهی در حالت شنا و خروج از دریاچه در فضای مجازی منتشر شده است که میزان شدت سرما را در فصل زمستان در برخی از دریاچه ها نمایش می دهد. هر چند دمای بدن ماهی ها متناسب با محیط تنظیم می شود، اما در فصل زمستان دمای آب دریاچه ها بیش از حد کاهش می یابد و دلیلی برای فرار ماهی ها از این سرما می شود. آن ها یا به کف دریاچه ها می روند که گرم ترین نقطه در فصل زمستان است یا به روی آب می آیند که گاهی ممکن است شدت سرما باعث خشک شدن آن ها در بیرون از آب شود.

مارپیچ (سختی ۶۰٪)

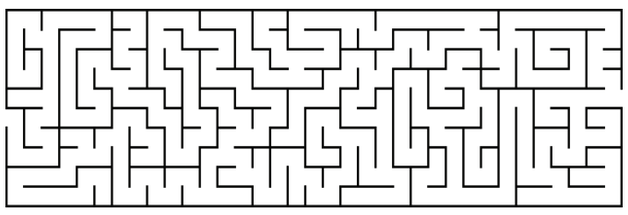

تفأل

مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
خرابم می کند هر دم فریب چشم جادویت
پس از چندین شکیبایی شبی یارب توان دیدن
که شمع دیده افروزیم در محراب ابرویت

افسانه‌های نوین

درخت سخنگو و رهگذر گزافه گو

علکساندر کاربراتور | مورخ، مولف و عمود منصف

آورده‌اند در زمان‌های قدیم رهگذری از روستایی گذر می کرد که چشمش به جمعیتی افتاد. با خود اندیشید شاید درشکه‌ای چپ کرده و مردم برای لذت بردن از تماشای آن صحنه دورش حلقه زده‌اند، یا شاید یک ورزشکار بین‌المللی هنرهای رزمی در حال اجرای فنون جدید است که مردم این‌قدر ذوق زده‌اند. با عجله جلوتر رفت ولی دید مردم دور یک درخت جمع شده‌اند و پای درخت پر از میوه و شیرینی و نان و تخم مرغ محلی و گوشت و رب خانگی بدون مواد نگه دارنده و کله قند درسته و از این حلواها که کش می‌آید و نمک و فلفل و زردچوبه به اندازه کافی است. فکر کرد لابد پشت درخت محل توزیع سبد کالای روستاست و همه منتظرند تا بر اساس رقم آخر سایز گیوه‌شان سبدشان را بگیرند. ولی ناگهان مردم ساکت شدند و صدایی به گوش رسید. صدا از توی درخت می‌آمد. یک لحظه کف کرد، بعد که به کف‌هایش نگاه کرد متوجه شد همسرش دیروز لباس‌هایش را شسته و خوب نچلانده و هنوز کف در آن‌ها مانده و سرریز کرده است. دوباره حواسش را به درخت جمع کرد که شنید درخت می گوید اگر می‌خواهید دوست‌تان داشته باشم و هر روز برایتان سخن بگویم، باید گوشت گوسفند بیشتری برایم بیاورید، چون به گوشت گوساله حساسیت دارم و گوشت مرغ هم دوست ندارم.

مرد فهمید کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. برای همین به کنجی خزید و کمین کرد. پس از ساعتی که اطراف درخت خلوت شد، رهگذر دید مردی از سوراخ تنه درخت خارج شد و شروع به جمع‌آوری خوراکی‌های پای درخت کرد. مرد با خود اندیشید و در دلش افزود: «این شیاد از سادگی مردم سوءاستفاده می کند، باید پته‌اش را روی آب بریزم.»

فردا صبح که دوباره مردم دور درخت جمع شده بودند، رهگذر در اوج شلوغی و هنگام سخن گفتن درخت، یک پیت نفت آورد و روی درخت ریخت و رو به مردم افزود: «ای ابلهان!» مردم رو به مرد افزودند: «بلی!» رهگذر در ادامه افزود: «الان به شما نشان خواهم داد که این درخت شیاد است و دارد شما را گول می‌زند...» سپس مهلت نداد، کبریت زد و درخت را به آتش کشید، به این امید که مرد حیله‌گر درونش بیرون بیاید و دستش برای مردم رو شود. مردم که صحنه را دیدند هراسان دنبال آب رفتند تا درخت را خاموش کنند و عده‌ای هم مرد را زیر چک و لگد گرفتند که: «ای ابله، این چه کاری بود؟ این درخت ثبت جهانی شده و در کتاب رکوردهای غینس به عنوان تنها درخت سخنگو نامش هست...» مرد خونین و مالین صحنه دیروز را تعریف کرد و مردم در جوابش افزودند: «مجددا ای ابله، آن مرد نگهبان شبانه درخت است و خودمان می‌دانیم می‌آید غذاها را برمی‌دارد تا از درخت مراقبت کند و آب بدهد و هرسش کند...» و این گونه بود که تنها درخت سخنگوی جهان به فنا رفت و رهگذر هم درس بزرگ و دردناکی گرفت!

نیم دقیقه‌ای

فضای کافی برای زندگی مشترک

خانم رابرتز پای تلفن با دوستش صحبت می کرد. دوستش احوال همسر خانم رابرتز را پرسید. خانم رابرتز گفت: «اونم خوبه، دیروز به من گفت لطفا تو زندگی یه کم به من فضا بده، من آزادی عمل ندارم...» دوست خانم گفت: «اوه چه جسارتا! تو چی گفتی؟» خانم رابرتز با خوشحالی پاسخ داد: «با کمال میل حرفش رو قبول کردم... از خونه انداختمش بیرون تا به اندازه کافی فضا و آزادی داشته باشه!»

ترجمه و تصویرسازی: فرنگیس یاقوتی، سعید مرادی

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

* مادر عزیزم طاهره لطفی، بابت همه زحماتی که برای من و دو خواهرم کشیدی ممنونم و دستت را می بوسم. **پسرت امیر محمد**
* آق کمال؛ شما جلیقه زرد هم دارید؟ آیا الان می پوشید؟
آق کمال: جلزقه ندرم ولی عمرا بپوشم! یگ جاکت گلبهی درم که هممورم به زور عیال میپوشم.
* چند روز پیش رفتم به خونه پدریم مادرم و داداشم خونه بودند، همسایه بالایی در آپارتمان را باز کرد، جلوی در خونه بودم ولی خانواده در را باز نکردند... **صدیقه**
* اگه میشه یه قسمت از زندگی سلام رو به خواننده ها اختصاص بدین. **بهنام**
* خواستم برای انتشار ۲۰ هزارمین شماره تون تبریک بگم و بابت چاپ مطلب فاضل یافضل فروش در زندگی سلام از شما و نویسنده اثر تشکر کنم، عالی بود.

آیا می دانید؟

دانستنی هایی درباره هواپیما

* در سال ۱۹۵۴ دو فروند از هواپیماهایی که به آخرین فناوری زمان خود مجهز بودند، در آسمان نابود شدند. بازرسان پی بردند گوشه پنجره‌های آن ها به دلیل مربعی شکل بودن سست شده و در ارتفاع به دلیل فشار بالا منفجر شده است. با وقوع این دو حادثه تلخ بود که امروز شاهد وجود پنجره های بیضی و دایره‌ای شکل در هواپیماها هستیم.

* خطوط هوایی غذاهای مخصوصی برای خلبان ها آماده می کنند تا مطمئن شوند دچار مسمومیت غذایی نمی شوند. برخی ایرلاین ها حتی غذای جداگانه ای برای خلبان و کمک خلبان تهیه می کنند تا اگر هر کدام بر اثر غذا دچار مسمومیت شد، فرد دیگر قادر به هدایت هواپیما باشد.

* یک سوم پرزهای چشایی انسان در طول پرواز و در ارتفاع بی حس می شود. به همین دلیل است که غذاها در هواپیما طعم متفاوتی می دهد و همه شاکی هستند که چرا طعم غذای هواپیما بد است! همچنین شکلاتی که در ابتدای ورود به هواپیما می دهند، برای این است که بر اثر کم شدن فشار هوا در ارتفاع، گوش مسافران نگیرد.

* دلیل تاریک کردن محیط کابین هواپیما، تطبیق دادن چشم مسافران با نور کم محیط (نوری که از خارج می تابد) در صورت وقوع حادثه است. در هنگام خطر مسافران باید به سرعت از درهای خروج اضطراری خارج شوند و اگر نور کابین از روشنایی زیاد به یک باره تاریک شود، تا چند لحظه هیچ کس قادر به دیدن محیط اطراف نخواهد بود.